

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۸۳

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۹ تیر ۱۳۹۲، ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۳

سردبیر عبدال گلپریان

انتخابات در جمهوری اسلامی و افسانه اصلاح طلبی مصاحبه رضا مرادی با مینا احدی و محمد آسگران



مردهای مذهبی متعهد به ولی فقیه حق دارند (مینا احدی: اون هم فقط شیعه) بله شیعه اثنی عشری
صفحه ۲



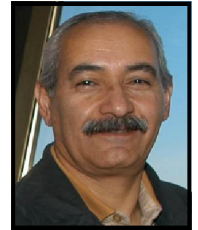
دارند و حق تبلیغات دارند. این جریانات میایند، کاندید میشوند، در جایی مانند ایران اینطور نیست. فقط تعداد محدودی از

رضا مرادی: چرا شما بهش می‌کید مضحکه انتخابات؟

محمد آسگران: خوب طبعاً مضحکه انتخابات به این دلیل میگیم که این انتخابات نیست. انتخابات در عرف عمومی در همین جوامع حاضر حتا در جایی مثل ترکیه و پاکستان هم، بالاخره احزاب مختلف جریانات مختلف گرایشات مختلف حق کاندید شدن

قتل عام در زندانهای جمهوری اسلامی

تهران، کردستان، آذربایجان، ارومیه و کرمانشاه دستگیر کرده و همگی در سالن ۱۰ زندان رجایی شهر هستند. اسامی این زندانیان به این شرح به کمیته علیه اعدام رسیده است:



عبدال گلپریان

امید پیوند، شهرام احمدی، مختار رحیمی، بهمن رحیمی، محمد یاور رحیمی، فرزاد شاه نظری، صدیق محمدی، عبدالهادی حسینی، محمد غریبی، پوریای محمدی، ماموستا کاوه ویسی، کاوه شریفی، کاظم ملکی، بهروز شاه نظری، عبدالرحمان سندان، حامد احمدی، جهانگیر دهقانی، کمال مولایی، احمد نصیری، ادیس نعمتی، وریای باقری فرد، لقمان امینی، بشیر شاه نظری، جمال سید موسوی (زندانی کردستان) لقمان امینی (سه سال انفرادی) بشیر شاه نظری (سه سال انفرادی)

اعدامهای اخیر پیش درآمد تهاجم تازه تری به مردم عاصی و معترض علیه جمهوری اسلامی است. قاتلان اسلامی حاکم بر ایران اوضاع منطقه و در کمین نشستند مردم را بکشیده اند.

موج اعدامها توسط رژیم جمهوری اسلامی شدت بیشتری بخود گرفته است. بنا به گزارش کمیته بین المللی علیه اعدام، تنها در فاصله دو هفته دستگاه آدم کشی حکومت اسلامی ۵۰ نفر را اعدام کرده است. روزهای شنبه و یکشنبه این هفته ۱۱ نفر در زاهدان اعدام شدند که پنج نفر از آنها زن بودند، ۳ نفر در اردبیل، ۴ نفر در رضاییه، هفت نفر در لاکا و ۵ نفر در قزوین اعدام شدند. فقط در دو روز ۳۱ نفر اعدام شده اند.

علاوه بر اینها رژیم اسلامی قصد دارد ۲۶ نفر از زندانیان رجایی شهر را به "اتهام" تبلیغ علیه نظام اعدام کند. ۱۵۰ نفر از زندانیان از شهرهای مختلف ایران، از دانشگاههای سراسر کشور و از جمله

صفحه ۲

ناسیونالیسم کرد در فاز جدید رسوایی!



نسان نودینیان

عراق بودند توسط قاتلین و تروریست های جمهوری اسلامی ترور شده اند. تحت حمایت نظامی نیروهایشان به سلیمانیه لشکرکشی کردند و به مقرهای
صفحه ۳

بارزانی و عناصر اصلی این احزاب در طول سه دهه گذشته در انجام خدمتگزاری به جمهوری اسلامی سنگ تمام گذاشته اند. و تا دوره وجود خمینی دست بوس او بوده اند. آن ها شهرهای کردستان عراق را به میدان مانور سپاه پاسداران و عناصر اطلاعاتی و جاسوسی جمهوری اسلامی تبدیل کرده اند. ده ها نفر از فعالین سیاسی اپوزیسیون که به منظور حفظ امنیت جانی در شهرهای کردستان

نسان نودینیان اخیرا کتابی توسط دفتر مرکزی و تبلیغات اتحادیه میهنی کردستان عراق تحت نام "رهبر کبیر امام خمینی" منتشر شده است. انتشار این کتاب نارضایتی و اعتراض تعداد زیادی از فعالین سیاسی در میدیای اجتماعی را موجب و در این رابطه کمپینی تحت نام "خمینی شهید و کبیر نیست" فراخوان داده اند. جلال طالبانی و مسعود

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران: پیشروی تاریخساز انقلاب مصر!

دولت، بدنال دولتهای مبارک و طنطای، بود که به قدرت التحریر و انقلاب مصر کنار زده می شد. این نه فقط گامی تعیین کننده در
صفحه ۶

هفته گذشته به "بزرگترین تظاهرات تاریخ" منجر شد حکومت محمد مرسی و اخوان المسلمین را به پرتگاه راند و منجر به ساقط شدن آن توسط ارتش گردید. این سومین

انقلاب مصریك پیشروی مهم دیگر را برای مردم قهرمان این کشور، برای مردم کل منطقه و برای بشریت رقم زد. حرکت عظیم و میلیونی "جنبش ترمز" که در

چندین فعال کارگری در سندج احضار و دادگاهی شدند

است. روز چهارشنبه ۱۲ تیر شعبه یک دادگاه انقلاب سندج، حکم یکسال حبس تعزیری را به «بهزاد فرج الهی» فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی ابلاغ نمود. اتهام بهزاد فرج الهی تبلیغ علیه نظام عنوان شده است. جلسه دادگاهی او بدون اطلاع وی در تاریخ ۲۶ خرداد در همان شعبه به صورت غیابی برگزار شده بود. روز شنبه ۱۵ تیر

نا به اخبار منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری، قاضی شعبه ۱ دادگاه انقلاب سندج وفا قادری فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد و حکم در تاریخ ۱۱ تیر به وکیل ابلاغ شد. اتهام اقدام علیه امنیت ملی توسط دادگاه به این فعال کارگری اعلام گردیده

صفحه ۱۰

صفحه ۷	رژیم قتل عام میکند! باید کاری کرد!
صفحه ۸	جان محمد جراحی در خطر است
صفحه ۹	مختصری از تاریخ یک دوره / عبدال گلپریان / بخش هفدهم

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ انتخابات در جمهوری اسلامی...

باید باشید و تازه نه تنها این باید متعهد به خامنه‌ای هم باشید تا حق کاندید شدن و تأیید صلاحیت شدن داشته باشید. علاوه بر این از میان همین کاندیداها يك شورای نگهبانی هم گذاشته اند اینها را از صافی رد می‌کند مرحله اول انتخابات را اینها انجام میدهند. تعدادی آخوند کپک زده نشستند اند اولین مرحله انتخابات را آنها انجام میدهند. بین چند صد نفری که کاندید شده اند، امسال ۸ نفر را انتخاب کردند و گفتند مردم از میان این ۸ تا که ما انتخاب کرده ایم، حق دارند به یکی از آنها رای بدهند. کسی که این شو مسخره را انتخابات بنامد، اگر ریاکار و دروغگو نباشد به عقلش باید شک کرد.

مینا احدی: جالب اینکه من يك چیزی بگویم اینجا آنهایی که در رسانه‌های فارسی زبان خارج کشور کار میکنند مثلاً طرف خودش ۲۰ سال است که در آمریکا زندگی می‌کند، یا ۱۵ سال لندن بوده است، بعد از این مضحکه به عنوان انتخابات دفاع می‌کند. به نظر من این مساله خیلی مهم است که افکار عمومی حتی يك درجه عادت کرده، مثلاً زنان نمی‌توانند خودشان رو کاندید کنند، خیلی کم راجع به این صحبت می‌شود و دوم اینکه احزاب سیاسی نمی‌توانند کاندید خودشان را داشته باشند و هیچ حزب مخالفی حتی اجازه فعالیت ندارد. همانطور که محمد هم گفت: تنها مردهای شیعه اثنی عشری که مطیع بودن و وابستگی شان را به حکومت ثابت کرده باشند، می‌توانند کاندید بشوند. مسئله این نیست که حتی مثل کشورهای دیگر يك حزب سیاسی با حزب یا احزاب دیگری رقابت انتخاباتی می‌کند. به این معنا هیچ معیار انتخاباتی به معنای موجود در کشورهای دیگر، هم رعایت نمی‌شود.

در عین حال جمهوری اسلامی يك مکانیزم سرکوب دارد که بجز خودیها و مریدان ولی فقیه کس دیگری حق دخالت در چند و چون سیاست انتخاباتی ندارند. حتی بعد از رای دادن و رای ندادن بخشی از مردم به دلیل عواقب کار نگران امنیت خود هستند. بارها پیش

آمده است که به مردم میگویند شما که رای ندادید فرضاً حق و صلاحیت اینرا ندارید که فلان شغل را داشته باشید. شما اگر رای ندادید ممکن است شغلت را از دست بدهید یا ممکن است نتوانید در فلان شغل استخدام بشوید. بعضاً اوایل اینطوری بود که کوبین و یا امتیازاتی را از دست می‌دادید. یعنی مجموعاً مکانیزم موجود يك نوع مهندسی مستقیم و غیر مستقیم اتفاق می‌افتد، چیزی که خودشان میخواهند اتفاق بیفتد.

رضا مرادی: خوب حالا که

اینها در قدرتند و بالاخره مردم چاره دیگری ندارند. قانون آن کشور اینطوری است. بهرحال مردم چکار باید میکردند؟ رای نمی‌دادند؟ به کس دیگری رای می‌دادند؟ خوب مردم هم میگویند حالا به روحانی رای میدیم شاید يك کمی وضع بهتر شد، ایشان به هر حال اصلاح طلبه؟

محمد آسگران: ببینید اولاً

مردم باید رای نمی‌دادند. مردم نباید میرفتند پای صندوق رای، آنهایی که رفتند پای صندوق رای به نظر من از تحلیل اشتباهی پیروی کردند. در فضای اصلاح جمهوری اسلامی و قدم به قدم انشالله بهتر می‌شود بازی کردند. آن تعدادی که رای ندادند طبق آمار خود دولت خود آماري که جمهوری اسلامی اعلام کرده است. حدود ۱۵ میلیون رای ندادند، این بخش از مردم بهترین تصمیم را گرفتند. هر چند روشن است که آمار جمهوری اسلامی دروغ است اما همین آمار دروغ هم نشان میدهد که در تهران ۲۲ درصد مردم رای داده اند. ولی حتی آنهایی که رای دادند بخش بالایی از آنها فکر می‌کنند واقعا از این طریق می‌شود يك فضایی بهتری ایجاد کرد. تازه بخش زیادی از این مردمی که پای صندوق رای رفتند به خاطر همزمان بودن انتخابات شوراها شهری بود. اگر فقط انتخابات ریاست جمهوری بود شك نداشته باشید که بیشتر از ده پانزده درصد شرکت نمیکردند. اما بیشتر همین شرکت کنندگان هم رفتند به کاندید مورد نظر خامنه‌ای بگویند "نه". بالاخره رفتند از منظر خود روی آنها را کم کنند.

بخشی هم به هدف اینکه يك کمی فضا باز بشود، تشویق به رای دادن شدند. ممکن است حتی این اتفاق در دوره‌هایی افتاده و بیافتد ولی بالاخره چند بار این را می‌خواهیم امتحان کنیم. يك بار با این امید رفسنجانی را آوردند دو بار با این امید خاتمی را آوردند. يك بار با این امید رفتند پای رای دادن موسوی، آن بالا را سر مردم آوردند که همه دیدیم. بالاخره به بار دو بار چند بار باید این تاکتیک غلط را در پیش گرفت که تجربه بشود؟ این بخش از مردم وقتی تجربه کردند و دیدند که نمی‌شود، باید به این قناعت برسند که کل بساط این رژیم را به هم بریزند. من میدانم آن تعدادی که رای دادند بخش بالایی از آنها به وضع موجود اعتراض دارند. دوست دارند جمهوری اسلامی نباشد. ولی فکر میکنند الان نمی‌توانند جمهوری اسلامی را بیاندازند پس از این راه باید کاری کرد. من میگویم این امکان گرایی این پراگماتیسم تا حالا به مردم ضرر زده است. نباید اینرا تکرار کرد.

مینا احدی: من يك نکته در

مورد همین مساله بگویم. ببینید نزدیک به ۳۵ سال است که حکومت اسلامی سرکاست. حکومتی که مذهب رسماً در دولت است و قوانینش اسلامی استف برای همین حکومت گفت زن و مرد با هم برابر نیستند، کارگر اجازه اعتصاب ندارد، اعدام قانون رسمی است، سنگسار قانونی است. به نظر من آدم باید نگاه کند امکان گرایی که الان محمد راجع به آن صحبت می‌کند یا پراگماتیسم را من می‌توانم در بین مردم این را بفهمم که بالاخره امکان گرایی هست، طرف میگوید این یکی از آن یکی بدتر است. بین بد و بدتر یکی را انتخاب میکنند. ولی به نظر من در این ۳۵ سال در جمهوری اسلامی يك جنبش، يك گرایش، يك نوع احزاب سیاسی و شخصیت‌هایی بوده اند همیشه از اینکه امکان اصلاح در حکومت اسلامی وجود دارد حرف زده اند. از قبل این موضوع نان خوردند و از قبل آن جمهوری اسلامی را نگاه داشتند به نظر من این مساله خیلی مهم است و این فرق میکند با مردمی که از روی پراگماتیسمشان پای صندوق رای میروند.

از صفحه ۱ قتل عام زندانیان...

طبق معمول این تقلاها برای جلوگیری از بروز نا آرامی‌هایی است که در شرف سربلند کردن است. به زیر کشیده شدن جریان اسلامی در مصر توسط حرکت میلیونی مردم، سران و مقامات جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. پایان کار خود را نزدیک می‌بینند و برای ایجاد فضای رعب و وحشت روزی نیست که تعدادی از زندانیان توسط قاتلان اسلامی اعدام نشوند. راه پایان دادن به موج اعدامها اعتراضات وسیع و توده ای مردم در مقابل در زندانها و دیگر اسارتگاههای رژیم اسلامی است. خانواده های زندانیان، فعالین جنبشهای اجتماعی و فعالین محلات و خانواده های زندانیان در يك اقدام مشترك و سازمانیافته می‌توانند با حضور در مقابل زندانها نسبت به آدمکشی رژیم اسلامی دست به اعتراضات گسترده بزنند.

۹ ژوئیه ۲۰۱۳

اشتباه کردند. تاکتیک نادرستی اتخاذ کردند. ولی اینها این بخش "پوزیسیون رانده شده از حکومت" مشکشان اشتباه کردن نیست. اینها آگاهانه دارند کنار این حکومت قرار میگیرند. به شعور مردم توهین میکنند. خودشان هم حتی خودشان را هیچ فرض میکنند. همیشه زیرعبای این آخوند و آن آخوند باید خودشان را پیدا کنند. يك دوره‌ای از خمیسی دفاع کردند، بعد از رفسنجانی دفاع کردند بعد از خاتمی دفاع کردند بعد از موسوی دفاع کردند الان هم از روحانی دفاع میکنند. اینها همیشه مدافع جمهوری اسلامی بوده اند. بنابراین اینها را نمی‌شود حتی اصلاح طلب نامید. اینها کسانی هستند دنبال راهی هستند که این رژیم را حفظ کنند. منفعت دارند چه از لحاظ سیاسی چه اقتصادی.

رضا مرادی: منظورتون چی

هست که اینها منفعت دارند توی این کار؟

از صفحه ۲ انتخابات در جمهوری اسلامی...

مینا احدی: يك نکته‌ای این وسط مهم است مثلا در مورد فرخ نگهدار يك مدت میگفتند یکی از رهبرهای سازمان اکثریت و بیشتر افکار عمومی فکر میکرد از نظر سیاسی دارد از حکومت اسلامی دفاع می‌کند. ولی بعدا معلوم شد که سرمایه گذارهای کلانی هم بحثش در کار است. منتها به نظر من جنبش ملی اسلامی يك جنبشی است که تاریخا در ایران بوده و از به اصطلاح حکومت و حکومت مذهبی، حکومت اسلامی دفاع کرده است. اینها بخشی از حکومت اسلامی بودند. از يك جنبش و از يك جنس بوده و هستند. معلوم است که مثلا بین خاتمی و خامنه‌ای یه اختلاف نظرانی وجود دارد. در مورد اینکه چگونه حکومت کنیم که بمونیم. در نتیجه این اختلافات خیلی از اصلاحطلبان را خلع قدرت کردند و از حکومت بیرون انداختند. تعدادی از آنها را دستگیر کردند. زندانی کردند. اینها معلوم است که اختلافات اینجوری با هم دارند.

اکنون یکی از حرفه‌ایشان این است که روحانی آمده سر کار میگویند که اگر حصر موسوی برداشته بشود در جهت همگرایی پیش میرویم. یعنی اختلافات درونی خودمان را حل می‌کنیم. از نظر آنها مهم نیست که اعدام و سنگسار وجود دارد، مهم نیست که هر مخالف را با تیر میزنند. مهم این است خودیها آزادی فعالیت داشته باشند. برای آنها مهم اینست که موسوی آزاد شود بعد همه چیز رو براه میشود. می‌خواهم بگویم یکی از اختلافات بین خودشان به قدرت رسیدن و در قدرت سهیم شدن و یا دوباره در قدرت بودن خودشان است. از نظر سیاسی هم از کلیت جمهوری اسلامی و از نظام دارند دفاع میکنند. تعدادی از اینهایی که در خارج از کشور فعالیت میکنند به خاطر اینکه در جهت منافع دولت‌های غربی پیش میروند، همیشه مورد توجه آنها هم هستند. دولتهای غربی هم دنبال استحالته کردن جمهوری اسلامی هستند نه سرنگون کردن آن. میگویند که حکومت اسلامی اصلاح پذیر است. خاتمی و روحانی مثلا بهتر از

جلیلی و فلان مرید خامنه‌ای هستند. میگویند آنها بهتر از بقیه هستند که ما بتوانیم روابط سیاسی و اقتصادی خودمان را ادامه بدهیم. اینرا میگویند که مردم در کشورهای اروپایی علیه سیاست آنها نباشند. بعد يك عده اصلاح طلب که همین تصویر را میدهند که خیلی هم مقبول اتحادیه اروپا هستند و جایزه میگیرند این ور آن ور حلوا حلوا پشان میکنند. می‌خواهم بگویم که يك کر دسته جمعی همه با هم کار می‌کنند که جمهوری اسلامی سر پا بماند. این دفعه با يك لباس دیگر مثلا روحانی با يك لیخندی بر لب و به اصطلاح لباس حریر ولی همه چیز بر همان منوال سابق مانده، اعدام، سنگسار جنایت، شکنجه، تجاوز همچنان باقی است. اینرا میخواهند به مردم بفروشند. و اینرا اصلاح طلبی میدانند.

محمد آستران: من فقط يك

نکته‌ای را بگویم ببینید به طور واقعی مساله جنبشی است. وقتی میگویم منفعت سیاسی، اقتصادی - ممکن است طرف از لحاظ اقتصادی هیچی هم نداشته باشد. ولی از لحاظ جنبشی خودش را به يك جنبش متعلق میدانند. منفعت آن جنبش را نمایندگی میکند. ببینید یکی از رهبران کارگری همین امروز يك مصاحبه ای کرده است. او گفته است آقای روحانی که هی قول میدهد تو نمیتوانی حق ما کارگران را عملی و در نظر بگیرد. در ادامه میگوید که آقای روحانی تو میگویی وضع را درست می‌کنم حقوق اضافه می‌کنم. مواد غذایی ارزان میکنم و نمیدونم تعاونی اضافه می‌کنم و... ما که میدانیم تو اهل این کار نیستی. چرا که دلیلش روشن است. زیرا فضایی وجود ندارد که تشکلهای کارگری شکل بگیرند و اگر مسئولین قوی دادند و اجرا نکردند این تشکلهای کارگری بتوانند نیرو بیاورند تو خیابون و قدرتشان را نشان بدهند. قانونی وجود ندارد که مردم و کارگران بتوانند فضایی را ایجاد کنند که اینها یعنی رژیم بترسد و ناچار بشود این قولها را عملی کند. بنابراین به این معنا

وقتی از کارگر حرف میزنید کارگر اینجوری است. این نظر کارگران است. از زندگی خودش از نبود دستمزد نبود حداقل معیشت از نبود آزادی حرف می‌زند. از طیف اصلاح طلب و احزاب و شخصیت هایش وقتی سوال میکنید اینها شروع می‌کنند به توضیح اینکه بالاخره موقعیت اینست باید واقع گرا بود باید قدم به قدم رفت جلو، نمی‌شود. چون جرات نمیکنند در این فضای سیاسی فعلی بگویند که جمهوری اسلامی خوب است و باید بماند. اینها قبلا اینطوری حرف نمیزدند. يك دوره‌ای میگفتند خمینی خوب است چرا که ضد امپریالیست هست، باید ازش حمایت کرد. خاتمی خوب است باید ازش حمایت کرد. الان جرات نمیکنند این حرف را بزنند ولی علیرغم اینکه جرات نمیکنند این حرف را بزنند میگویند خوب باید در چهارچوب امکانات رفت جلو و دارند به مردم حقنه میکنند که مردم شما نمی‌توانید جمهوری اسلامی را سرنگون کنید. پس وقتی که نمی‌توانید حرفش را هم نزنید. سنگ بزرگ علامت زدن است. این مثالها را میاورند پس بیائیم بسازیم بین بد و بدتر یکی را انتخاب کنیم، بلکه يك کمی فضا عوض بشود.

مینا احدی: به نظر من اصلا از انقلاب می‌ترسند این هم هست یعنی از روز اول یکی از تبلیغات شان این بوده که انقلاب بد است. انقلاب خشونت هست، از شیرین عبادی گرفته که بارها ازش شنیدم که داره میگه که انقلاب خشونت است تا همه اینها میگویند انقلاب خشونت است. به نظر من میدانید از چی می‌ترسند از اینکه اگر يك سیل بیاید همه اینها را جارو میکند و میرد. من اینطوری فکر می‌کنم. طرف پیش خودش فکر می‌کند با انقلاب کلا صفا اصلاح طلبان را هم این سیل میرد. پیش خودش میگوید در آن شرایط دیگر من نمیتونم برم مثلا جایزه حقوق بشر بگیرم، نوبل بگیرم، بگم که اسلام با حقوق بشر تناقضی ندارد... اینها همانهایی هستند که میگویند اسلام خوب و بد داریم. از نوع "خویش" دارند دفاع میکنند. اگر در ایران انقلابی اتفاق بیفتد تکلیف اسلام و

از صفحه ۱ ناسیونالیسم کرد در فاز... .

حزب دمکرات حمله کردند. خمینی جلا برای این احزاب "پدر" و "سمبول و نماد" بود. تقدیس او نه بدلیل اعتقادی بلکه از روی منافع شخصی و ثروت اندوزی و مالی است. با استقرار هر واحد و ارگان تروریستی، این احزاب کردی پولهایی کلان به جیب زده اند. سفر اینها به ایران و گردش و استراحت های اشرافی خود نیز در سایه حاکمیت جمهوری اسلامی و خمینی برایشان مهیا است. دستگاه تبلیغی اتحادیه میهنی کردستان عراق يك "بزنس" و ارگان تجاری مالی و در يك کلام پولی است. اینها بخشی از شریک جرم جمهوری اسلامی در تحمیل فقر و فلاکت بی شائبه‌ای هستند که به کارگران و مردم زحمتکش اعمال میشود. اتحادها میهنی همین است. و تا زمانیکه این نظام جمهوری اسلامی هست، اینها هم به این شکل در مورد جنایتکارترین "شخصیت" تاریخ بشری مینویسند و در مدحش

می‌گویند. در آلمان فروش کتاب هیتلر (ماین کمپف mein kampf) یا (جنگ من) در کتابفروشیها غیر قانونی است. به همین دلیل از منظر جامعه و مردم دنیا اسم آوردن از او ننگ است. خمینی همردیف هیتلر است. خمینی قاتل است. او معمار استقرار جنایتکارترین نظام اسلامی در ایران است. کاری که اپوزیسیون و جنبش سرنگونی باید انجام دهد تلاش برای غیر قانونی کردن هر نوع آثار از این جنایتکار است.

رسوایی احزاب کردی از جمله اتحادیه میهنی را ما در تاریخ سیاسی ایران ثبت خواهیم کرد. اما، به نظر من اینها باندهای مافیایی مالی ای هستند که حاضرند به قیمت زیر پا گذاشتن حرمت و کرامت انسانی شان در مورد این جنایتکار کتاب منتشر کنند.

۹ یولای ۲۰۱۳
۱۸ تیر ۱۳۹۲

مذهب و خیل اصلاح طلبان و مدافعین دخالت مذهب در دولت ... را به درجات زیادی روشن می‌کند.

محمد آستران: البته يك چیز بگویم به نظر من بحث انقلاب را الان دیگه جرات نمیکنند مثل سالهای قبل علیه اش حرف بزنند، چون دیدند در مصر انقلاب شده، در تونس انقلاب شده، الان در ترکیه حرکتهای اعتراضی راه افتاده، در برزیل این اعتراضات میلیونی راه افتاده است. دیگر جرات نمیکنند رجزخوانی کنند. ولی عملا در محلی که بالاخره رسانه دستشان هست يك طیف وسیع هستند و اینها یعنی فعالین جنبش ملی اسلامی و ناسیونالیستها روزنامه نگار دارند. متفکر دارند. (مینا احدی: تلویزیون و رادیو دارند) دقیقا، از این طریق حرفشان را به گوش مردم می‌رسانند. راهی را پیشنهاد میکنند و جلوی مردم میگذارند که به طرف انقلاب نروند.

مینا احدی: من اخیرا مقاله‌ای خواندم در مورد اینکه يك دقیقه سکوت، رادیکالها دارند حرف میزنند، اولین بار بود دیدم مثلا در یکی از رسانه‌های رسمی يك همچنین مقاله‌ای نوشته شده

از صفحه ۳ انتخابات در جمهوری اسلامی...

(محمد آسنگران: شادی صدر نوشته) ولی من فکر می‌کنم واقعا ما نمایندگی یک جنبش دیگری را می‌کنیم از روز اول در مقابل اصلاح طلبها ایستادیم. آنها خیلی خوب رهبرهای ما چهره‌های ما شخصیت‌های ما را میشناسند. از کنفرانس برلین گرفته تا دفاع جانانه اینها از خاتمی که تظاهرات‌های بزرگ در سراسر دنیا سازمان دادیم علیه خاتمی، همان موقع اصلاح طلبان علیه ما حرف می‌زدند. هیچ وقت یادم نمیره یکی از رهبران اکثریت که همسرش را در ایران اعدام کرده بودند، در کنفرانس برلین آمد و گفت با وجود اینکه همسر را اعدام کردند از حکومت اسلامی را دفاع می‌کنم. حکومت اسلامی را میشود اصلاح کرد. اینها این جنبش هستند. بی‌بی‌سی و رادیو فردا و بقیه به نوعی به آنها امکانات و بلندگو میدهند. سعی کرده‌اند که یک فضایی علیه رادیکالها ایجاد کنند. همین الان هم که انتخابات انجام شده میلیون‌ها نفر در ایران رای ندادند. حرف از بیست میلیون است، این بیست میلیون را کنار می‌گذارند، همه‌اش درباره اینکه چرا رای دادیم، چرا آخوند خوب داریم و چرا نمی‌دونم روحانی خوب است و از این حرفها می‌زنند، به نظر من ولی دیگه وقتش است که با صدای بلند اعلام بشود تاریخ مبارزه علیه جمهوری اسلامی در عین حال تاریخ مبارزه علیه این جنبش بوده است.

رضا مرادی: خوب الان شما این صحبت را می‌کنید. ایرانی را تجسم کنید که در آن خامنه‌ای مثل شاه انگلیس بشود. فرضاً این دست راستی‌ها زیاد قدرتی ندارند و اصلاح طلبها تمام قدرت دستشان است. این چه ایرانی هست و چه تفاوتی دارد با ایرانی که شما می‌خواهید؟

محمد آسنگران: خوب اولاً چنین ایرانی به وجود نمی‌آید. این غیر ممکن است. به خاطر اینکه حکومت اسلامی بر آمده از یک جنبش است. اسمش جنبش اسلام سیاسی است. نمیتواند این اسلام سیاسی چیزی بشود حتی با پمپه سر

ببرد. مثل شاه انگلیس یا ملکه انگلیس! داستان اینست که جنبش اینها یک جنبش اگرسویک جنبش تروریست است. یک جنبش است که زبان می‌برد، سر می‌برد، شکنجه میکند تجاوز میکند. با زدن تو سر زن و با ترور و با ایجاد وحشت فقط میتواند برجامعه حکومت کند. در غیر این صورت آن مردم عقل و شعور دارند، نمی‌پسندند این رفتارهای قرون وسطایی را. الان مردم اگر سر نیزه و اسلحه و زندان را از بالای سرشان بردارند، یک روز هم این حکومت نمیتواند دوام بیاورد. میتوانند امتحان کنند. کافی است اینها یعنی سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات رو کنار بگذارند از قدرت و از امکانات و موقعیت سرکوب، تا ببینند مردم چکار میکنند.

در همان فضایی نیم بندی هم که ایجاد می‌شود، ببینید مردم چه کار میکنند. مثلاً در فوتبال تیم ایران برنده میشود، مردم میانند یک کمی خوشحالی خودشان را نشان بدهند دختر و پسر میانند در خیابان میرقصند، این همه‌اش کفر است از نظر جمهوری اسلامی. بعدش هم سر تا ته قانون اساسی جمهوری اسلامی یک قانون نژاد پرستانه تبعیض آمیز و راسیستی است. این قانون اساسی جمهوری اسلامی را فقط می‌شود با قانون دوران هیتلر مقایسه کرد. چون زن در آن آدم نیست، غیر شیعه آدم نیست، غیر مسلمان که هیچی کافر است و خوش حلال است، غیر شیعه را میتوان تحقیر کرد، حق دارند بهش توهین کنند. آخوندها دارند آشکارا به پیروان دیگر مذاهب توهین میکنند. دهها کلیپ وجود دارد علیه سنی‌ها، دارند تبلیغاتی میکنند که میگویند اینها ولدزنا هستند، اینها حرام زاده هستند. آخوندها رسماً اینرا گفته اند که سنیها مسلمان نیستند، علیه بهائی‌ها تبلیغ میکنند که خونشون حلال است. میگویند همه آنها را باید کشت. از نظر اسلامی‌ها باید اینها را از صحنه تاریخ محو کرد. بنابراین راسیسمی که در حکومت اسلامی و جنبش اسلامی شکل گرفته است تنها این نیست که حرفش را بزند. اینها عملاً دارند سر

می‌برند. کسانی که میخواهند این رژیم را اصلاح کنند خودشان را به نفهمی زده اند. حالا مثلاً اصلاح طلبها بیان سر کار خامنه‌ای فقط نقش شاه یا ملکه انگلیس را داشته باشد! اولاً چنین چیزی ممکن نیست، دوماً چرا مردم باید چنین کثافتی را در حاکمیت بپذیرند.

حال می‌گویید با آن جامعه‌ای که ما می‌گوییم تفاوتش چی هست؟ آن جامعه‌ای که ما می‌گوییم تفاوتش با جمهوری اسلامی و حتا با تمام جوامع دنیا این هست که ما می‌گوییم انسان، انسان است و این انسان و شهروندان مستقلاً و بدون واسطه می‌توانند حکومت کنند. میتوانند تصمیم بگیرند می‌توانند قانون وضع کنند و می‌توانند قانون اجرا کنند. تفاوت اساسی در این است. در هیچ جای دنیا اکنون این سیستم اجرا نمیشود. در حالی‌که این حق مردم است که خودشان مستقیم و بدون واسطه بر سرنوشته خودشان حاکم باشند.

رضا مرادی: مینا احدی سوال رو از شما می‌پرسم فرض کنید خامنه‌ای قدرتی ندارد دست راستی‌ها قدرتی ندارند و این اصلاح طلب‌ها سر کارند. زن در آن جامعه چطور زندگی می‌کند کارگر در آن جامعه چطور زندگی می‌کند وضع اعدام در آن جامعه چگونه است. وضع حق و حقوق آدم‌ها در آن جامعه چگونه است. یک تصویری از این بدهید و یک تصویری از این بدهید که شما چی می‌خواهید؟

مینا احدی: به نظر من این مساله یک بار برای همیشه و برای همه مردم باید روشن باشد که اصلاح طلب و خاتمی و نمیدانم روحانی و عبای حریر و لبخند بر لب همه تکیه داده‌اند به چوبه دار و به جنایتی که این حکومت انجام میدهد. به نظر من این تصویر فرضی اگر سپاه پاسداران همانطور که محمد هم گفت سرکوب را کنار بگذارد یک روزه بساط اینها جمع می‌شود. در ایران و واقعا هم این نکته مهم و محوری است که در این قرن و این درجه از پیشرفت ارتباطات بین‌المللی به خصوص نسل جوانی که در تهران در خانه خودش نشسته است از طریق اینترنت و فیس‌بوک به دنیا وصل است و تمام کسانی که

ایرانیان و نوجوانان ایرانی که میانند خارج کشور یا رفت و آمد میکنند می‌روند و ایران را می‌بینند می‌گویند بابا اینکها اصلاً فرقی نداره مثل بچهای که تو اروپا بزرگ شده افکارش اعمالش آرزوهایش با آن بچه و آن جوان در فرانسه و آلمان فرقی ندارد. رژیم برای اینکه دخترانی را در ایران زیر سیطره حکومت اسلامی نگاه دارد که نرقصند که حجابشان را رعایت نکنند، که سکس نداشته باشند، که زندگی و عشق نکنند، مجبور است سر نیزه داشته باشد و خاتمی و روحانی هم همین طور هستند. الان یک هفته است روحانی را از صندوق بیرون آورده و ۵ نفر را اعدام کرده اند. یک رهبر کارگری را کشتند، چشم در میاروند، نمیدانم دست و پا قطع میکنند تا روحانی بتواند لبخند بزند و حکومت دوام داشته باشد. بنابراین جمهوری اسلامی خلاف جریان تاریخ خلاف بشریت خلاف آزادی خلاف شادی خلاف لبخند به حیات خود ادامه میدهد.

مجبور است به سر نیزه تکیه کند. به نظر من پدیده قدرت سیاسی و حکومت کردن تاریخاً خیلی عجیب و پیچیده و طبعاً عجیب با جنایت بوده است. همواره مردم در فرم‌های مختلف حکومتی تا کنون دور نگهداشته شده‌اند. حتی در کشورهای اروپایی و در دموکراسی پارلمانی اینطوری است. کسی که به پارلمان راه می‌آید، یک سر و گردن خودش را از بقیه بالاتر می‌بیند. من اصلاً اینها را قبول ندارم. به نظر من با این درجه از پیشرفت تمدن تکنولوژی و ارتباطات و نقشی که آدم عادی میتواند در سیاست بازی کند، حکومت کردن طبعاً و صد درصد راحت خواهد شد. این فضا را باید شکست، همه می‌توانند در تصمیم‌گیری و حکومت کردن دخالت کنند.

از طریق اینترنت راحت میشود نیازهای مردم را دقیق تخمین زد. میشود مردم خودشان را در حکومت کردن و قانون‌گذاری و اجرای قانون دخیل کرد. اگر چیزی غلط است و موضوعی را قبول ندارند به مقامی اعتراض دارند و... میتوانند قبول نکنند و بگویند این قبول نیست. یکی دیگه باید انتخاب بشود. ما می‌خواهیم زندگی کنیم هر فرد یک بار شانس زندگی

کردن دارد و آنها به مدت کوتاهی در قید حیات است باید این حق را داشته باشد که از تمام نعمات موجود استفاده کند. همه باید این حق را داشته باشند. سرپناه داشتن در رفاه و آزاد زیستن حق ابتدایی هر فرد است. ثروت به اندازه کافی توی جامعه هست. فقط باید جلوی این مکانیزم را بگیریم که عده ای حاکم بر مردم نشوند. رو سرمون سوار نشوند و میلیارد میلیارد پول تو جیبشان نذارند. در آن جامعه امکانات و رفاه به اندازه کافی برای همه هست. پس باید کاری کنیم یک سیستمی دوباره شکل نگیرد که با سر نیزه پول مردم را بالا بکشند. این به نظر من با شرکت عمومی در سیاست با استفاده از امکانات موجود، با کنترل کردن آنهاست که به قدرت میرسند یا مسئولیتی به آنها سپرده میشود با نقش بازی کردن مردم و دخالت مستقیم و روزمره مردم در حکومت، نظارت و کنترل میشوند.

باید این تابو را شکست که حکومت کردن کار یک عده نخبه باشد. صاحبان قدرت و کاسه لیسان آنها همیشه می‌گویند حکومت کردن خیلی عجیب و خیلی سخت است. با استفاده از همین مکانیسم‌های پیچیده مردم را از حکومت کردن دور نگهداشته‌اند. مثلاً اصلاح طلبها رو ببینید همیشه از نخبگان حرف می‌زنند. همیشه اینجوری حرف می‌زنند مردم عوام هستند و باید بر آنها حکومت کرد. هنوز هم که هنوز است در مورد مساله زن حرف می‌زنند می‌گویند به زنها باید آموزش داد! من می‌گویم تو کی هستی که می‌خواهی به زن آموزش بدهی تو که همیشه از حجاب و اینکه زن بی عقل است دفاع کردی. قانونت اینرا می‌گوید و تو هم مدافع آن قانون هستی. من می‌گویم کسی که خودش را اصلاح طلب میداند و از قوانین اسلامی دفاع میکند قبلاً از اینکه چیزی را اصلاح کند راسیستی بودن و مدافع آپارتاید جنسی بودن خودش را جار می‌زند. زیرا در تمام سیستم و ارگانیزم این رژیم زن جایی بجز برده کنیزبرایش قایل نیست.

محمد آسنگران: یک آخوند با یک متر ریش و پشم مثل

از صفحه 4 انتخابات در جمهوری اسلامی ...

دایناسورهایی که از چندین قرن قبل انگار زنده کرده اند، می‌خواهد به زن مدرن امروز آموزش بدهد. این تنز تاریخ است. این خیلی عجیب است. آیا واقعا جامعه ایران این لایقش است که اسلامیها و کل اصلاح طلبان میگویند؟ از نظر من ۹۰٪ جامعه ایران آدمهای متمدن و مدرن هستند. حق زندگی انسانی دارند. اگر این حق را از آنها گرفته اند برای این است که امکان دخالتگری ایشان را در سرنوشت خودشان محدود و ممنوع کرده اند. اگر این امکان را داشته باشند ده بار هم اشتباه کنند بالاخره بار یازدهم تصمیم را درست میگیرند. مهم اینست که خودشان حاکم بر سرنوشت خودشان باشند. چه لزومی دارد که یک ملا یک شاه یک آقای یک قدرتمندی یک ثروتمندی را روی سرشان سوارکنند. بحث من این است همین مردم و همین شهروندان میتوانند حکومت کنند میتوانند قانون وضع کنند جامعه را اداره کنند، قانون اجرا کنند. بالاخره چند بار هم اشتباه کنند نهایتا میدانند چی به نفعشان است.

مینا احدی: میبخشید این بحث به خاطر این مهم است که الان علاوه بر اسلامیها ناسیونالیستها هم ظاهرا حق به جانب وارد میدان سیاست شده و ادعای برای آینده سیاست در ایران دارند. مثلا رضا پهلوی و بقیه هم حرف میزنند. ظاهرا نتیجه و عمل و آرزوهای مردم ایران چیزی است آیندشان مثل برزیل و ترکیه و پاکستان بشود. در حالیکه همان جاها هم مردم به خیابان آمده و معترض هستند. در همین آلمان هم مردم ناراضی هستند. در آلمان میلیونها نفر رای نمیدهند بخاطر اینکه میگویند اینجا اینطور است هست که میگویند بین چهار حزب دوره ای انتخاب کنید. دیگر چهارسال نمی‌توانیم هیچی بگویم. بنظر من ایران بعد از جمهوری اسلامی میتواند اصلا الگوی دیگری داشته باشد. میتواند نمونه یک جامعه آزاد و مرفه باشد که همه شهروندان در آزادی کامل بر سرنوشت خود حاکم باشند.

محمد آسنگران: ببینید

دنیا را سرو ته گذاشته اند. این سیستم سرو ته را باید عوض کرد. جامعه ما هم روی سرش دارد راه میره. همین مردم همین شهروندان راحتتر بدون دردمر تر با قلبی انسانی با امکانات مدرن امروزی راحت می‌توانند حکومت و زندگی را اداره کنند. چنانچه انسانیت انسانها برجسته و محور بشود.

مینا احدی: در ضمن به نظر من یک سری چیزها مهم است، ما از همین حالا میگوییم همیشه هم گفته ایم، حزب کمونیست کارگری میخواد مثلا آزادی مطلق بیان وجود داشته باشد. هیچ کس به دلیل اینکه مثلا من را و یا آن یکی را مسخره کرده و کاریکاتور کشیده و طنز گفته است، نباید مواخذه کرد. من اگر رئیس جمهور آن مملکت باشم اجازه نمیدهم کسی به جرم توهین به مقدسات ملی و مذهبی و ایدئولوژیک کسان دیگری تحت تعقیب باشند. بالاخره مردم باید آزاد باشند حرف دلشان را بزنند. توهین و تمسخر به یک عقیده توهین به فرد علاقه مند به آن عقیده و ایدئولوژی نیست.

بالاخره مردم باید آزاد باشند جوک بگویند، یا نقاشی بکشند یا هرطور که میخوانند خودشان را بیان کنند. به نظر من آزادی مطلق بیان، آزادی احزاب، جدایی مذهب از دولت یکسری چیزها و پرنسپهایی است که مردم قرن‌ها برای به دست آوردن آنها مبارزه کرده اند. قرن‌ها برایش جنگیدند و کشته شدند. انقلاب کردند بالاخره به این نتیجه رسیدند در طول تاریخ و در طول تجربشان که مذهب باید دستش را از دولت و آموزش و پرورش و سیستم قضایی کوتاه کند. آزادی احزاب باید وجود داشته باشد. حق تشکل باید وجود داشته باشد. یعنی اگر یک جایی کار میکنید در یک کارخانه منافع مشترک دارید، میتوانید تشکل ایجاد کنید. زن و مرد باید با هم برابر باشند. اینها چیزهایی است که می‌شود گفت حقوق پایه ای و ابتدایی هر انسان است. ولی علاوه بر اینها من فکر می‌کنم که همه چیز میتواند خیلی راحتتر همون طور که الان گفتیم اتفاق بیافتد، این تابوهای موجود را بشکنیم.

رضا مرادی: به عنوان آخرین سوال شما گویا مذهب مردم را فرهنگ مردم را بافت اجتماعی جامعه را کامل نادیده می‌گیرید و می‌خواهید اید الهای خودتان را آنجا برقرار کنید در مورد این چه نظری دارید؟

محمد آسنگران: کدوم مذهب، کدام جامعه و کدام اید آنها؟ داستان به نظر من عکس این است. من میگویم آدمها آدم هستند. شهروندان آزاد و برابر می‌توانند باشند. هر مذهب و عقیده‌ای دارند داشته باشند. باید بتوانند خودشان در تعیین سرنوشت خودشان دخیل باشند. کسی روی سرشان حاکم نباشد. این کجایش ایده ایستی است. اینها سخت است؟ بر عکس اینها عملی و ممکن است. میدانم کسانی هستند اینرا ایدآلیستی میخوانند چون حکومت کردن را حق نخبگان میدانند؟

اگر بحثی هست این است که کسانی هستند نمیخوانند مردم بر سرنوشت خود حاکم باشند. نمیگذارند. نمیخوانند این اتفاق بیفتد. آنها میخوانند یک تعداد آدم سرمایه‌دار و بولداری و دزد که همین الان خودشان دارند افشا میکنند حاکم باشند. در جایی مثل ایران میلیاردها میلیارد دارند میزدند، میخوانند همین‌ها حاکم باشند و بقیه مردم هم عوام هستند که هرچی اینها بهشان گفتند قانع باشند. بنابراین بحث مذهب و ایدئولوژی نیست. بحث آزادی آدم است. بحث آزادی انسان است. ما میگوییم دولت باید در مقابل رابطه سبکی بزرگسالان و پوشش و نوع زندگی و مسایل خصوصی افراد باید کور باشد. و حق دخالت نباید داشته باشد. آیا این سخت و ایدآلیستی است؟ دولت نباید کاری به این داشته باشه که شهروندش مذهب دارد یا ندارد. ایدئولوژی چی هست یا چی نیست. نژادش چی هست یا چی نیست. ملیت‌ش به چی منتصب شده یا نشده است. انسان به حکم انسان بودنش حق زندگی دارد. حق رفاه دارد. و همین آدمها باید در آن جامعه مورد نظر این حق را داشته باشند، که خودشان حکومت کنند. من میگویم این عملی است. خیلی هم ساده است. اما عده هستند

نمیگذارند. باید این مانع را کنار زد.

مینا احدی: تا اونجایی که به فرهنگ برمی‌گردد، به نظر من آدمها فرهنگ‌های مختلفی دارند. بستگی دارد چگونه تعریف کنید. تا آنجایی که به ایران برمی‌گردد با اتفاقا مثلا فرهنگ رقص، فرهنگ آواز، فرهنگ شادی، فرهنگ لباس، اتفاقا چیزی است که جمهوری اسلامی با زور دارد مانع آنها میشود. با زور سلب خود و سلبهای خود را به جامعه تحمیل می‌کند و یک جنبش بزرگ علیه این تحمیل، علیه این همه موارد قذف وجود دارد. در مورد مذهب باید بگویم حکومت اسلامی حکومتی است که از ۳۵ سال قبل سر کار آمد. اسمش حکومت اسلامی بوده و هست. همه چیز و همه جوانب زندگی مردم ایران تحت تسلط قوانین اسلامی یا تحت تسلط یک عده قرار گرفته است. این عده خودشان را شیعه میدانند و بقیه پیروان مذاهب دیگر را قبول ندارند و حتی برایشان قابل نیستند. بی مذهبیها حق حیات هم ندارند. کلی جنایت انجام دادند که خودشان را مسلط کنند. کسی نمیتواند اینرا فرهنگ مردم ایران قلمداد کند. این است و سرمایه داری امروز ایران و جهان به آن تکیه زده که مردم را خفه کند.

وقتی جوانی در آن جامعه می‌خواهد دوست پسر یا دوست دختر داشته باشد یا راحت از خانه بیرون برود و لباسی که دوست دارد بپوشد، کتک می‌خورد، شلاقش می‌زنند، زندانش میکنند... همیشه هم گفته اند اسلام اینرا گفته، و حکومت و مامورین اش هم قوانین اسلامی را برای همه افراد آن جامعه تجویز کرده و مجبور میکنند که بپذیرند. خیلی وقتها هم با اسم خدا و پیغمبر تجاوز کردند. اینها دیگه چیزهایی هست که علنی شده و همه پذیرفته اند. و ظاهرا حکومت هم بدش نمی‌آید اینرا به جامعه ابلاغ کند که مخالفین را این چنین به سزای اعمالشان میرساند. این یک نوع فاشیسم اسلامی است که خیلیها نمیخوانند به زبان بیاورند.

انتخابات در جمهوری اسلامی ...

از صفحه ۱

بیانیه حزب کمونیست کارگری ...



جهت تضعیف نیروهای اسلامی و برچیدن بساط متعفن ارتجاع مذهبی در صحنه سیاسی کشورهای مختلف و از جمله ایران بود، بلکه و مهم تر، جلوه شورانگیزی از فراتر رفتن از چهارچوب محدود دموکراسی و وارد کردن ضربه مهلکی بر اسطوره "حاکمیت صندوق رای" (یا همان حاکمیت بورژوازی) بود. همه جهان با اشتیاق و هیجان دید که چگونه دهها میلیون زن و مرد در مصر به خیابان آمدند، اراده خود را مستقیماً اعمال کردند و حکومتی که در پروسه های پارلمنتاریستی به قدرت رسیده بود اما بروال معمول همه دولتهای دموکراتیک، اقلیت مفتخور و مرتجع را نمایندگی میکرد، را عزل کردند. این يك نقطه عطف تاریخی است که به نام انقلاب مصر و التحریر ثبت خواهد شد.

عظیم و شورانگیز التحریر به قدرت دولتی و بدست گرفتن اداره امور توسط ارگانهای اعمال اراده مستقیم مردم تبدیل نشود. التحریر و جنبش عظیم مردم مصر باید اعمال اراده خود را از حد تغییر دولت ها و بر کنار کردن و برانداختن نمایندگان و احزاب رنگارنگ بورژوازی به تصرف قدرت سیاسی و برقراری نظم نوینی که آزادی و رفاه و حرمت انسانها را بی چون و چرا مبنا قرار میدهد ارتقاء دهد. وقایع يك هفته گذشته نشان داد که التحریر قوی ترین و تعیین کننده ترین قدرت در مصر است. التحریر یعنی توده مردم انقلابی مصر باید خود را بصورت دولت مستقیم مردم متشکل کند و قدرت را بدست گیرد و مستقیماً حکومت کند. جامعه ای انسانی و برابر و بدون تبعیض و بدون زندان و اعدام و فقر و فلاکت که خواست مردم میلیونی مصر است تنها از این مسیر میتواند سر بر آورد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ تیرماه ۱۳۹۱

۵ ژوئیه ۲۰۱۳

انقلاب مصر برای پیروزی ناگزیر است سرانجام با ستون فقرات سیستم فعلی در مصر یعنی ارتش که علاوه بر قدرت قهریه نظامی و پلیسی قدرت فوق العاده اقتصادی و سیاسی دارد مستقیماً درافتد و آنرا از پیش پا بر دارد. جنبش شورانگیز "تمرد" و اجتماعات عظیم و تاریخی چند روز اخیر و کنار زدن مرسى انقلاب مصر را در موقعیت قدرتمندتری برای انجام وظایفش قرار داده است.

با اینهمه روشن است که انقلاب مصر برای پیروزی راه پرییج و خمی در پیش دارد. بجز مانع ارتش، نباید قدرت اسلاميون را دستکم گرفت. آنها شکست سنگینی متحمل شده اند اما همچنان بعنوان يك نیروی فوق ارتجاعی در صحنه خواهند بود. بعلاوه و مهمتر بورژوازی در مصر چهره هایی نظیر البرادعی را هنوز در کیسه دارد و در گام بعدی به جلوی صحنه خواهد راند. اما مهمترین خطری که انقلاب مصر را تهدید میکند این است که این انقلاب صرفاً در موضع اپوزیسیونی باقی بماند و جنبش

هیچ چیز مضحك تر از آه و شیون و "نگرانی" بورژواهای رنگارنگ، از مقامات اروپایی گرفته تا سران ترکیه و ایران و غیره، در مورد "از دست رفتن دموکراسی" و در مذمت "کودتای ارتش علیه دولت منتخب مردم" نیست. پیشروی انقلاب مصر و قدرت التحریر در کنار زدن مرسى در واقع داغ تلف شدن "الگوی اسلام میانه" را در دل ایشان گذارده است. وقایع هفته گذشته همچنین شکست سیاست مهار انقلاب از طریق صندوق رای و به خانه فرستادن مردم را اعلام کرده است. در واقع اینها از اعمال اراده مستقیم مرد و پیشروی و قدرت گیری انقلاب مصر به وحشت افتاده اند و گر نه حتی خود حضرات هم میدانند که ارتش از ترس رادیکالتر شدن اوضاع و برای مهار انقلاب در گام بعدی ناگزیر شد عطای حکومت اخوان المسلمین را به لقایش ببخشد و کودتا کند. بعلاوه کیست که نداند که ارتش مصر نه فقط در دوره مبارک و ژنرال طنطاوی بلکه همچنین در حکومت محمد مرسى و حکومت موقت فعلی نیز قدرت واقعی را در دست داشته و دارد.

بنابراین از من قبول کنید که يك موج وسیع اعتراضی و انتزاعی علیه این دخالت مذهب و اسلام در ایران وجود دارد. چیزی که در افکار عمومی بین المللی همیشه میفروشد، میگویند ایران يك کشور اسلامی است، حکومتش هم اسلامی است، مردم هم فرهنگشان اسلامی است، اگر مثلاً حجاب سرشان میکنند این فرهنگشان است. به نظر من این کاملاً غلط است. گویا سنگسارشان هم جزو فرهنگشان است. من میگویم این غلط است این توهین به مردم ایران است.

همه حاکمان امروز و دیروز با هم کار کردند که این تصویر را بدهند. در حالیکه واقعیت این است که مردم در ایران این مذهب را پس زده اند. دخالت مذهب در زندگیشان را پس زده اند. الان يك موج مذهب زدایی در آن جامعه وجود دارد. موج دست کشیدن از مذهب وجود دارد. این را هم در عین حال باید دید ما اگر به قدرت برسیم بگذار تکلیف همه را روشن کنیم. همانطوری که محمد هم گفت، همه انسانها به صرف انسان بودنشان آزادند، زن یا مرد در آن جامعه زندگی آزاد و

انتخاب مردم
سرنگونی جمهوری اسلامی است!

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

رژیم قتل عام میکند! باید کاری کرد! در مورد میریت یک حرکت گسترده بین المللی علیه اعدام ها در ایران!

دوستان گرامی، فعالین علیه اعدام، جوانان، احزاب و تشکلهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی، مردم آزاده ایران و افغانستان و دنیا!

یک هفته بعد از انتخابات کذایی حکومت اسلامی ایران، در زندانها آرامش بود و بعد از آن، موج گسترده ای از اعدامها در همه جا آغاز شد. به این آمار توجه کنید!

اولین اعدام بعد از مضحکه انتخابات در ایران، مجید افضلی در رجایی شهر ۳۶ ساله

۲۰ ژوئن سالگرد سی خرداد اعدام ۴ نفر در شهر کرد اتهام مواد مخدر

اعدام قباد فیوج در ملا عام در شهر کرد

اعتراض و راهپیمایی مردم علیه اعدام در همان محل .

قتل ۲۵ نفر در دو زندان روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۲ و ۳ ژوئیه

۲۵ نفر در زندان قزل حصار و رجایی شهر اعدام شدند.

اعدام دو جوان ۲۰ و ۲۴ ساله را در کرج و در ملا عام

اعدام ۶ نفر در شهرستان بم در روز پنجشنبه

اوشین اسانلو یک فعال کارگری در زندان رجایی شهر، با توطئه حکومت اسلامی به قتل رسید.

۱۱ نفر روز شنبه ۶ ژوئیه در زاهدان اعدام شدند. ۵ نفر از این اعدام شدگان زن بودند.

۷ نفر در لاکان اعدام شدند.

طبق گزارش خیرگزاری هرا، نامداد روز شنبه ۳۱ فروردین ماه

در یک اعدام گروهی و مخفیانه تعدادی از زندانیان زندان مرکزی

بیرجند به دار آویخته شدند. یکی از اعدام شدگان روز شنبه علی آرنگ

۳۱ ساله که بیش از ۳ سال در زندان بسر می برد نام دارد. هنوز از آمار دقیق اعدام شدگان روز شنبه

خبری در دست نیست.

سفارت افغانستان در تهران با انتشار یک نامه خبری از اعدام ۱۲

شهروند افغانستان "در ارتباط با جرایم قاچاق مواد مخدر" در ایران خبر داده است

دو متهم به قتل و یک متهم به قاچاق مواد مخدر سحرگاه روز

دوشنبه ۸ ژوئیه در زندان مرکزی کرمانشاه (دیزل آباد) اعدام شدند

سحرگاه دوشنبه سه زندانی متهم به قاچاق مواد مخدر در

زندان مرکزی اردبیل اعدام شدند دادستان قزوین مدعی شد

سحرگاه دوشنبه در زندان چوبیندر قزوین ۳ متهم مواد مخدر و ۲

متهم به قتل اعدام شدند. طبق خبری که به کمیته علیه

اعدام رسیده ۲۶ زندانی در رجایی شهر در خطر اجرای فوری احکام

اعدام هستند. اسامی این ۲۶ نفر به دست ما رسیده است که در یک

گزارش آنرا اعلام کردیم. دوستان گرامی!

طبق همین آمار که کامل نیست حدود ۱۰۰ نفر در همین

بیست روز اخیر در ایران اعدام شده اند.

اخبار حاکی از زمینه سازی رژیم برای اعدامهای بیشتر است و

بهمین دلیل ما باید کاری کنیم! پیشنهادات ما اینها است!

در ایران خانواده هایی که عزیزان آنها در زندان هستند و در

خطر اجرای حکم اعدام، باید با همدیگر تماس گرفته و برای

حرکات دسته جمعی در مقابل در زندانها، مقابل مجلس حکومت

اسلامی و بیت رهبری باهم مشورت کنند. نباید منتظر بود و

خبر اعدامها را شنید باید هزاران نفر خانواده هایی که نگران جان و

امنیت فرزندان خود هستند دست به دست هم داده و کاری بکنند.

از ویلاگ نویسان و دست

اندرکاران سایتهای اینترنتی و نسل جوان دعوت میکنیم با دامن زدن

به یک موج اعتراض در همه این رسانه های اجتماعی اخبار

اعدامها را وسیعاً منتشر کرده و به یک جنبش علیه اعدام در میدایی

اجتماعی دست بزنند.

از احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همه نهادهای علیه

اعدام و شخصیت های سیاسی ضد جمهوری اسلامی دعوت میکنیم

که در یک اقدام دسته جمعی اولاً این موج وحشیانه اعدامها را

متحدانه محکوم کرده و دسته جمعی به یک حرکت اعتراضی در

همه جای دنیا و در ایران دست بزنند. ما پیشنهاد یک هفته جهانی

علیه اعدامها در ایران را در فاصله شنبه ۱۳ ژوئیه تا شنبه ۲۰ ژوئیه

را داریم.

باید بتوانیم در یک اقدام مشترک و همه جانبه در هر جایی

که امکانش را داریم تحصن سازمان داده، در مقابل پارلمانها

در کشورهای اروپایی، در مقابل اتحادیه اروپا و در مراکز شهرها

موجی از اعتراض به اعدامها در ایران به راه بیانداریم. جمهوری

اسلامی ایران باید ببیند ما نظاره گران خاموش این فجایع نیستیم. و

فعالان به این قتل عام زندانیان و جوانان در ایران معترضیم.

بکوشیم با بیشترین ابتکارات و در اقدامی عاجل و همه جانبه

جلوی این خونریزی وحشیانه حکومت اسلامی را بگیریم. از

پیشنهادات و نظرات همه شما استقبال میکنیم.

مینا احدی

کمیته بین المللی علیه اعدام ۹ ژوئیه ۲۰۱۳

Mina Ahadi
0049 (0) 1775692413
minnaahadi@gmail.com
m.
minahadi-iran.blogspot.co.uk

رفع ستم ملی

حزب کمونیست کارگری برای رفع کامل هر نوع ستم ملی و هر

نوع تبعیض برحسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت

مبارزه میکند. حزب کمونیست کارگری هویت ملی، عرق ملی و

ناسیونالیسم را افکار و تمایلاتی بسیار عقب مانده، مخرب، و مغایر

با اصالت انسان و آزادی و برابری انسان ها میدانند و با هر نوع تقسیم

بندی ملی ساکنین کشور و هر نوع تعریف هویت ملی برای مردم

قاطعانه مخالف است. حزب کمونیست کارگری خواهان برقراری

نظامی است که در آن کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس

تعلق ملی خویش، اعضای متساوی الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع

تبعیضی چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیت های

خاص معمول داشته نشود. حزب کمونیست کارگری تلاش برای

جایگزین کردن هویت طبقاتی و انسانی عام و جهانی کارگران بجای

هویت ملی را یک وظیفه حیاتی خود میدانند .

بعنوان یک اصل عمومی، حزب کمونیست کارگری خواهان زندگی

مردم منتسب به ملیت های مختلف بعنوان شهروندان آزاد و

متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر است که سازمانیابی

صف های قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل

میکند. با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخاصمات میان

مردم منتسب به ملیت های مختلف همزیستی میان آنها را در

چهارچوب های کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد،

حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت

مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت

میشناسد.

مساله کرد

نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای

منطقه و سرکوب خونین خواست های حق طلبانه و جنبش های

اعتراضی و خودمختاری طلبانه در کردستان ایران در رژیم های سلطنتی

و اسلامی، حزب کمونیست کارگری بعنوان یک اصل، حق جدایی از ایران

و تشکیل دولت مستقل از طریق یک

پروسه انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت

میشناسد و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این

انتخاب آزادانه را قویاً محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری

خواهان حل فوری مساله کرد در ایران از طریق برگزاری یک

فراندم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی

بین المللی است. این فراندیم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی

و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به

منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در

فراندیم، انجام شود .

حزب کمونیست کارگری در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی

کردستان رای موافق میدهد که قویاً محتمل باشد چنین مسیری کارگران

و زحمتکشان در کردستان را از حقوق مدنی پیشرو تر و موقعیت

اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابرتی و ایمن تری برخوردار خواهد

ساخت. موضع رسمی حزب کمونیست کارگری در هر مقطع بر

مبنای یک بررسی مشخص از موقعیت موجود و مصالح و منافع

کل طبقه کارگر و مردم کارگر و زحمتکش در کردستان بطور اخص

تعیین خواهد شد .

حزب کمونیست کارگری طرح های مختلف خودمختاری کردستان

را که از جانب نیروهای خودمختاری طلب در کردستان ارائه میشود را نه

فقط گامی به پیش در امر حل مساله ملی کرد تلقی نمیکند، بلکه

آنها را نسخه ای برای دائمی کردن هویت های ملی کرد و غیر کرد در

یک چهارچوب کشوری واحد، ابدی کردن و قانونیت بخشیدن به جدایی

های ملی و زمینه ای برای تداوم تخاصمات و کشمکش های ملی در

آینده ارزیابی میکند .

حزب کمونیست کارگری هر نوع ترتیباتی در مورد آینده سیاسی

کردستان را که بدون مراجعه به آراء عمومی خود مردم کردستان و صرفاً

بر مبنای تصمیمات دولت مرکزی و یا توافقات از بالا میان دولت و احزاب محلی به اجرا گذاشته شود،

فاقد مشروعیت و غیرقانونی میدانند.

از یک دنیای بهتر برنامه

حزب کمونیست کارگری ایران

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات

متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



مردم مصر از انقلاب خود اعاده حیثیت کردند

عبدل گلریان



حامیان خارجی و داخلی مرسى بویزه رسانه های حلقه بگوش و نان به نرخ روز خور از يك کودتای نظامی در برکناری مرسى صحبت می کنند. گفته می شود مرسى از طریق يك انتخابات با قدرت رسیده است و دستگیری او نقص موازین "دمکراسی" است و نتیجه می گیرند که کودتا شده است. علت گنج سری آنها نیست که گویا نمی دانند کودتا یعنی چه و چگونه صورت می گیرد بلکه علت آن نهایت شیطانی در مهندسی افکار عمومی است که به یمن شبکه ها و میدیای اجتماعی این خوش رقصی ها دیگر دورانش به سر رسیده است.

بمدت یکسال گوش فرمان مرسى و حکومتش بود خود نیز آماج تعرض انقلاب بوده است. بدون به میدان آمدن قاطع میلیونها نفر در میدادین و خیابانها، ارتش همچنان این ظرفیت را داشت که با فرمان همین مرسى دست به کشتار مخالفین در میدان التحریر و در دیگر میدادین شهرهای مصر بزند. ارتش برای عقب نماندن از قافله و برای اینکه بتواند سوار موج انقلاب مردم شود به چنین اقدامی دست زد. اما مردمی که ظرف دو سال دو حکومت را انداختند به این راحتی به خانه نخواهند رفت.

رسانه های نان به نرخ روز خور بی بی سی و آمریکا و طیفهای نگران از حکومت های مادام العمر حق دارند برای دفاع از مرسى و جریان اسلامی "میان" و "دمکراسی" پارلمانی اش آنرا کودتا بنامند. ارتش می داند که حرکت میلیونی و انقلابی مردم با کنترل رسانه ای چون تلویزیون و رادیو می توانست روند اوضاع را به سمت خود تغییر دهد و تمام نهادهای سرکوب و قانون اساسی را ملغی و با فرمان انقلاب مردم حاکمیت توده ای خود را برقرار کند. ارتش می دانست که موج میلیونی مردم انقلابی دارد در مسیری گام برمی دارد که مرسى و مشاورانش را به پای میز محاکمه بکشاند اما بداد یاران دیروز خود رسید.

می گویند "دمکراسی" زیر پا گذاشته شده چون مرسى منتخب اکثریت و حکومتش مشروع بوده. این تعریف دول سرمایه داری و "دمکراسی" طلبانی است که هر ۴ سال یکبار بر سر مردم شیره می مالند. نگرانی آنها برای این است که میلیونها مردم با زدن دست رد به

سینه حکومت اسلامی آنرا از صحنه کنار زده و دمکراسی پارلمانی را بعنوان ساختاری عوامفریبانه و با وعده های سر خرمن پته اش را روی آب انداخته اند. حتی اگر مرسى با ۹۹ درصد رای مردم هم رئیس جمهور میشد باز هم و بعد از شش ماه در صورت عدم لیاقت و عدم پاسخگویی به مطالبات و خواسته های جامعه با قدرت تصمیم و اراده همان مردم، خود و دولتش می بایست برکنار میشد. این یعنی اعمال اراده حاکمیت توده ای که هر مقام و مسئولی ولو با ۹۹ درصد آرا هم انتخاب شده باشد در صورت عدم لیاقت در تامین و پاسخگویی به خواسته های انتخاب کنندگان، همان مردم می توانند آن مقام را عزل کنند. مرسى در حالی به رئیس جمهوری رسید که بیش از يك سوم از واجدین شرایط در انتخابات شرکت نکرده بودند و تنها ۱۳ میلیون رای داشت.

مردم مصر برای تامین نان، آزادی و کرامت انسانی دست به انقلاب زدند و مبارک را انداختند. جریان اخوان المسلمین و مرسى که تا روزهای آخر برکناری مبارک در حاشیه وقایع انقلاب مصر بودند کوشیدند انقلاب مردم مصر را مصادره کنند. در این تلاش قدرتهای غربی و حامیان "اسلام" خوش خیم و میانه "برای ممانعت از رادیکالیسم انقلاب مصر مبنی بر تحقق نان، آزادی و کرامت انسانی، به لنگرگاه جریان اسلامی اخوان و مرسى تبدیل شدند. دولتهای غربی و مدافعین دمکراسی های پارلمانی سالهاست در تلاشند که حکومت های نوع مرسى و اردغان را بعنوان الگوهای اسلام رام شده به افکار عمومی قالب کنند اما اقدام روز چهارشنبه مردم انقلابی مصر همه این ترنندها را نقش بر آب کرد. مرحله دوم انقلاب مصر ضربه ای کوبنده بر حکومت اسلامی مصر بود. این اتفاق بر انقلابات کشورهای منطقه و درگیر برای سرنگونی دیکتاتورها و جریانات اسلامی تاثیر مستقیم خواهد داشت و تنها مختص به مصر نخواهد بود.

در طول يك سال گذشته مردمی که مبارک را انداخته بودند همچنان شعار انقلابشان را مبنی بر تحقق "نان، آزادی و عدالت اجتماعی" را

جان محمد جراحی در خطر است



بنا بر گزارش کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری، محمد جراحی از اعضای این کمیته و از چهره های شناخته شده کارگری در شهر تبریز که ماههاست به دلیل شرایط غیر انسانی زندان بیمار است، از جانب نهادها و مقامات زندان جمهوری اسلامی با موانع گوناگونی روبرو است.

محمد جراحی قبلا نیز بدلیل مشکل غده تیروئید که سرطانی شده بود، زیر عمل جراحی قرار گرفت و جنایتکاران اسلامی وی را بعد از عمل به بیمارستان بازگرداندند. او اکنون به درمان فوری نیاز دارد و با وجود اینکه خانواده اش کلیه هزینه درمان را به حساب بیمارستان واریز کرده اند، اما چندین روز است که از تاریخ کمیسیون پزشکی او میگذرد و هنوز وی را به بیمارستان منتقل نکرده اند. به گزارش کمیته پیگیری عدم درمان بیماری برای او میتواند خطر جانی برای او باشد و مسئولین زندان و همچنین قوه قضاییه باید پاسخگوی عواقب این مساله باشند.

محمد جراحی بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران ۵ سال حکم زندان دارد و سومین سال آنرا میگذراند.

تکرار کردند. اما مرسى بجای پاسخ به خواسته های انقلاب مردم مصر در تلاش برای اسلامی کردن جامعه و جاری نمودن قوانین شرعی قدرت را در دست خود قبضه کرده بود.

در سالگرد بقدرت رسیدن مرسى مردم با حضور میلیونی خود بطور قاطع خواهان رفتن او شدند و این خواسته را متحقق کردند.

از آنجا که انقلاب مردم مصر قبل و بعد از سرنگونی مبارک از وجود يك حزب رادیکال و رهبری سیاسی جدی چپ و روشن بین که بتواند این انقلاب را هدایت کند محروم بوده است، لذا جریان اسلامی اخوان و مهده ای چون مرسى را با حمایت ارتش و دولتهای غربی سوار انقلاب مردم مصر کردند. مردم

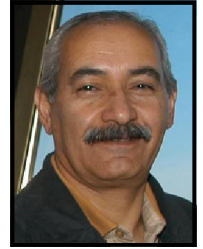
فشار بر روی زندانیان سیاسی، شکنجه دائم جسمی و روحی آنها، حتی جلوگیری از درمان زندانیان است و فشار به خانواده های زندانیان سیاسی، همه و همه از جمله سیاست های جنایتکارانه رژیم اسلامی در زندانها است. زیر این فشارها است که افشین اسانلو از فعالین کارگری زندانی، در زندان گوهردشت جان سپرد. نباید گذاشت چنین جنایاتی در زندان تکرار شود. با اعتراضی گسترده خواهان درمان فوری محمد جراحی و آزادی فوری وی از زندان شویم. محمد جراحی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۸ تیر ۹۲
۹ ژوئیه ۲۰۱۳

شهادتدفتر
Shahla_daneshfar@yahoo.com
بهرام سروش
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

انقلابی مصر باید در تلاش برای سازماندهی خود باشند. نباید کوچکترین توهمی به ارتش داشت. جای يك حزب سیاسی و جای رهبران و شخصیت هایی که نماینده و سخنگوی خواست، نان، آزادی و عدالت اجتماعی باشند در تحولات مصر خالی است. انقلاب مردم مصر نیاز به پر کردن این خلاء دارد. علیرغم این کمبود مردم انقلابی و هوشیار مصر بر تداوم انقلاب خود پای فشردند و با برکناری مرسى از انقلاب خود اعاده حیثیت کردند و این تازه شروع کار انقلاب مردم مصر و نشان دادن راه برای انقلاب در کشورهای منطقه است.

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش هفدهم



عبدل کلپریان

ماموریت‌های دسته‌سازمانده روزها، هفته‌ها و ماه‌ها به همین منوال ادامه داشت. بعضی از روزها سپری کردن اوقات در مخفی گاه‌های دامنه کوه‌ها و دشتهای سر سبز و در مواردی هم در منازل مردم شریف و دوست داشتنی روستاها که با تمام وجود پذیرای واحدهای نیروی مسلح ما در منازل خود بودند. مخفی شدن یک واحد ۷ نفره نیروی مسلح کومه له در یک یا دو منزل در روستا آنهم در حالیکه بر بلندی نزدیک ترین تپه مشرف بر روستا یک پایگاه نظامی حکومت قرار داشت برای آنها کاری ساده و خالی از خطر نبود. کافی بود در طول روز نیروهای مستقر در پایگاه از حضور ما مطلع شوند. برای ما که مسلح بودیم و وقوع هر نوع درگیری را محتمل می دانستیم، قادر بودیم با جنگ و گریز از خود دفاع کرده و از صحنه خارج شویم اما برای کسانی که ما را در منزل خود راه داده بودند حکم از دست دادن جان و مال و زندگیشان بود. با این وصف ترسی به دل راه نمی دادند و صمیمانه از ما مراقبت می کردند.

آنچه که این اعتماد بنفس را در میان مردم روستاها بویژه مردم زحمتکش دهات فراهم میکرد یکی این بود که ما را بعنوان نیرویی که از منافع آنها دفاع میکرد از خود می دانستند، به کاردانی و هوشیاری نیروی مسلح کومه له اعتماد و اطمینان داشتند و نکته دیگر اینکه در اکثر قریب به اتفاق روستاها از عوامل و عناصر اطلاعاتی محلی که بخواهند با خبر چینی محل اختفای ما را به پایگاه گزارش دهند خبری نبود و این سبب می شد که همه مردم در یک روستا بمشابه یک خانواده واحد عمل کنند و به محض حضور ما و یا احتمال بروز روبرویی با نیروهای سرکوبگر رژیم تمام توان خود را برای مخفی کردن و حفاظت از یک واحد کوچک بکار بگیرند. در روستاهایی البته بندرت پیدا می

شد که افرادی ولو اندک با ماموران پایگاه ارتباط داشتند. این دست از افراد را میشد در میان توانمندان روستا مشاهده کرد اما از ترس اینکه مبادا توسط مردم روستا لو بروند و گزارش آن به ما برسد، سعی میکردند بخاطر منافع شخصی خودشان هم بوده گزارشی از ما را به پایگاه منعکس نکنند. بعضا پیش می آمد که برای مخفی شدن در روستایی آگاهانه به منزل چینی افرادی برای مخفی شدن می رفتیم. خاصیت این روش این بود که آن شخص بخاطر منافع فردی خود و اینکه کوچکترین صدمه ای به دارائی اش وارد نشود ایدا قادر به دادن گزارش از ما به پایگاه رژیم نبود. خاصیت دیگرش این بود که بعدها مردم روستا می دانستند که ما در چنین منزلی مخفی بوده ایم و او نمی توانست خود را مبرا از "کمک به ما" بر حذر دارد. افرادی استثنایی پیدا می شدند که در سطح دیگری برای پایگاه اطلاع رسانی میکردند مثلا دادن گزارش اینکه واحدی واحدهای ما در فلان منطقه هستند یا اینکه تعدادشان چند نفر و غیره است. به این دست از افراد مستقیما رو در رو تذکر می دادیم که این عمل زشت را تکرار نکنند و چنانچه تکرار کنند دستگیر خواهند شد. همین تذکرها شفافه اثر مثبت خود را بر جای می گذاشت و از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق مردم روستاها با ما بودند، حرکات این عناصر را زیر نظر داشتند و به ما خبر می دادند.

در جریان یکی دیگر از این ماموریتها در زمستان سال ۶۴ تازه وارد روستای "توراغ تپه" شده بودیم. زمستان سخت و پر برفی بود. عبور به خارج از روستا عملا غیر ممکن بود. برای ما که یک واحد ۷ نفره و اینبار بنام دسته سازمانه "چم شار" سندان عازم ماموریت بودیم چندان ناخوشایند نبود چون می توانستیم استراحت دو سه روزه ای داشته باشیم مهمتر اینکه پایگاه نظامی رژیم در خود روستا وجود نداشت بلکه در نقطه نسبتا دورتری بود که بعنوان یک پایگاه مادر نقش تسلط بر چندین روستا را ایفا می کرد. شب را در دو منزل استراحت کردیم شام خوردیم و با صاحب خانه



رحمت اسماعیلی



گفت قبل از آمدن شما ملای روستا آمده و گفته است بر بالین بچه دعا و آیات می خواند بلکه گندم بیرون بیاید و طی این یک ماه مدام به این کار مشغول بوده است ولی نتیجه ای حاصل نشده است. سپس رحمت رو به جمعیت حاضر در اتاق کرد و گفت بجز خانواده کبری اگر همه جمعیت بیرون نرود من دست به این بچه نخواهم زد. ملای روستا گفت این گندم تنها با حکمت الهی و دعا‌های من بیرون می آید چون دکترهای شهر هم نتوانسته اند کاری انجام دهند من باید اینجا باشم. رحمت اینبار خیلی قاطع رو به ملا کرد و گفت لطفا شما هم تشریف ببرید بیرون اگر با دعا‌های شما گندم می توانست خارج شود دیگر نیازی به بردن بچه به نزد دکتر نبود لایذ یک ماه است دارید دعا تجویز می کنید. سپس ادامه داد و گفت لطفا بیرون. ملا همچنان نشست و بچه را روی زانوهایش قرار داده بود و کلماتی عربی تکرار میکرد. رحمت رو به کبری مادر بچه کرد گفت پس چرا ما را آورده اید اینجا؟ کبری بلافاصله بچه را از دست ملا گرفت و به رحمت سپرد. رحمت وسایل اولیه را که در کوله پشتی اش بود بیرون آورد و با دو عدد پنس و یک چراغ قوه دستی با کمک دو تن از رفقا شروع بکار کرد. بچه همچنان ناله می کرد و طفلکی آنقدر درد و بی خوابی کشیده بود که استخوانهای صورتش کاملا هویدا

بود. بلاخره بعد از حدود ده الی پانزده دقیقه گندم باد کرده که اندازه یک لوبیا شده بود از گوش بچه خارج شد. شادی و هلهله خانواده کبری، سراسر اتاق را پر کرد. کبری به همراه همسرش و بستگان حاضر در اتاق رحمت را غرق بوسه کردند. شادی و خوشحالی وصف ناپذیری وجود همه را پر کرده بود. در این لحظه هنوز چند دقیقه ای نگذشته بود که بچه به خواب عمیقی فرو رفت. مادرش کبری از شادی فقط گریه میکرد و با تشکر و قدردانی های مکرر دست و پای خود را گم کرده بود و نمیدانست از خوشحالی چکار کند. رحمت چند عدد مسکن برای احتمال درد بعدی بچه به کبری داد و داروهایی هم برایش تجویز کرد و گفت برو در فلان داروخانه در شهر این داروها را خریداری کن مطمئن باش که آنجا ازت نخواهند پرسید که کدام دکتر این داروها را تجویز کرده است. در این لحظه ملای روستا بدون اینکه جمعیت حاضر در اتاق به او محل بگذارند یواشکی از اتاق بیرون رفت. خبر در روستا پیچید و مردم دسته دسته برای ابراز خوشحالی به منزل کبری می آمدند. در میان آن همه سر و صدا و حضور جمعیت در آن اتاق تنها کسی که این همه سر و صدا را نمی شنید بچه کبری بود که به خواب عمیق و شیرینی فرو رفته بود.

ادامه دارد

از صفحه ۱ چندین فعال کارگری در سندج... است.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : B0FAUS

شماره حساب انگلیس
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:
سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:
شهلا دانشفر: ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250
E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی
E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

اگر تلاش و مبارزه برای آزادی کارگران زندانی در ابعاد وسیع و اجتماعی شکل بگیرد جمهوری اسلامی بعد از اجرای احکام صادره علیه کارگران دستگیر شده، تعداد بیشتری را بازداشت و تعرض بیشتری را به کارگران خواهد کرد. این سیاست و تاکتیک رژیم اسلامی را باید با شکست مواجه کرد. مبارزه هر شکل ممکن اعتراض و مبارزه برای آزادی فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی را گسترش داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن سیاست سرکوبگرانه رژیم خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ ژوئیه ۲۰۱۳
۱۸ تیر ۹۲

نگاه شوما

شبکه تلویزیون نگاه شما
ساعاتی از برنامه خود را به فروش میروساند
علاقتمندان میتوانند با ایمیل و شماره تلفن زیر تماس بگیرند:
ایمیل: negah.shoma@gmail.com
تلفن: ۰۰۱۵۰۲۰۶۵۰۰۱
مشخصات نگاه شما به این شرح است:
هائبرو
فرکانس: ۱۱۲۰۰
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
۵/۴-FEC
نگاه شما در GLVIZ قابل دریافت است.
برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:
<http://www.glviz.com/>
Negah E Shoma

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید
تلویزیون ساخته کانال جدید از شبکه نگاه شما در هائبرو پخش میشود.
مشخصات نگاه شما به این شرح است:
فرکانس: ۱۱۲۰۰
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
۵/۴-FEC
تلویزیون کانال جدید در GLVIZ قابل دریافت است.
برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:
Negah E Shoma
<http://www.glviz.com/>
زیر مجموعه برنامه های فارسی
این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.
تلفن تماس: ۰۰۱۲۱۸۶۹۸۹۷
ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

شعبه یکم دادگاه انقلاب سندج برای خالد حسینی فعال کارگری وعضو کمیته هماهنگی حکم ۱ سال حبس تعزیری به اتهام "تبلیغ علیه نظام" را صادر کرد. جلسه دادگاهی خالد حسینی بدون اطلاع وی و به صورت غیابی برگزار شده است. روز دوشنبه ۱۷ تیر، حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی طی دو احضاریه جداگانه به تاریخ های ۲۲ تیر و ۲ مرداد برای حضور در شعبه یک دادگاه انقلاب سندج دریافت نمود. حامد محمودی نژاد در تاریخ ۱۷ اسفند سال ۹۱ در منزل بازداشت و بعد از گذراندن ۳۲ روز حبس در بازداشتگاه اداره اطلاعات سندج با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد که بعد از گذشت حدود ۲۰ روز از آزادی، مجددا در تاریخ ۱۲ اردیبهشت در یکی از خیابان های شهر سندج دستگیر و بعد از ۱۶ روز بازداشت و با قرار وثیقه ۵۰

FREE THEM NOW

MOHAMMAD JARAHI
REHMAN EBRAHIM ZADEH
RASOUL BODAGHI
REZA SHAHABI

Behnam Needs To Be By Side Of His Son

ABDOLREZA GHANBARI
FEZRAM NASROLAHI

FREE THEM NOW
SHAHROKH ZAMANI

FREE THEM NOW
REZA SHAHABI

Campaign to Free Jailed Workers in IRAN

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!